

## نقش بیمه در فرایند توسعه اقتصادی

### چکیده

امروزه هدف از کل برنامه‌ریزیها و سیاست‌گذاریهای اقتصادی در کشورهای مختلف جهان دستیابی به توسعه اقتصادی است. توسعه اقتصادی چیزی نیست جز رشد کمی تولیدات و خدمات و تحول کیفی بافت اجتماعی جامعه و توزیع عادلانه ثروت و درآمد و از بین بردن پدیده‌هایی مانند فقر، محرومیت، بیکاری و بی‌خانمانی و تأمین رفاه عمومی و ترقی فرهنگی جامعه.

برای رسیدن به این مهم امروزه نقش بیمه و اهمیت آن غیر قابل انکار است. امروزه اندیشمندان جهان براین باورند که صنعت و کشاورزی دو بال توسعه می‌باشند. صنعت بیمه با تأمین امنیت، افزایش سرمایه‌گذاریها را در این دو بخش باعث گردیده و افزایش سرمایه‌گذاریها به افزایش درآمد و افزایش درآمد به افزایش قدرت خرید افراد جامعه و در نتیجه تحقق رفاه اقتصادی در جامعه منجر می‌گردد. امروزه نقش مثبت بیمه در تضمین سرمایه‌گذاریها، توسعه سرمایه‌گذاریها، توسعه بخش‌کشاورزی و همچنین ایجاد موازنه ارزی برهیچ اندیشمندی پوشیده نیست و با توجه به این حقایق است که امروزه صنعت بیمه به عنوان یک عامل مهم در تحقق توسعه در کشورهای

مختلف جهان شناخته شده و به آن اهمیت می دهند. تا جایی که شاید بتوان ادعا کرد که در دنیای امروز اهمیت بیمه به حدی است که کمتر فعالیت اقتصادی و اجتماعی را می توان یافت که بدون این عامل پابرجا مانده باشد.

انسان در طول تاریخ به منظور توسعه تولیدات خود نه تنها با قوانین طبیعت آشنا گشته و آنها را در راه این توسعه تحت انقیاد خویش در آورده است، بلکه در عین حال یک مبارزه دائمی علیه نیروهای شناخته شده طبیعی را نیز به پیش برده است. کلیه اقدامات ایمنی انسان حتی با تکیه بر آخرین یافته های علمی بشر نتوانسته اند حفاظ دفاعی بدون رخنه ای را برای انسان بوجود آورند؛ خطرات متعددی مال و جان انسان را تهدید می کند و حوادث گوناگون زیان هایی را به بار می آورند که به نحوی مستقیم یا غیرمستقیم بر کل جامعه تأثیر می گذارند. لذا جهت جبران خسارات ناشی از عوارض مخرب بلایای طبیعی و حوادث دو روش اتخاذ می گردد: یک روش تخصیص منابع مالی جهت جبران خسارات به هنگام وقوع آنهاست، بدون آنکه چنین تخصیصی از قبل برنامه ریزی شده باشد. روش دیگر که عبارت از سیستمی برنامه ریزی شده جهت مقابله با خسارات است، مکانیسمی است اقتصادی - اجتماعی که با شکل دادن نهادهای خاص خود بخشی از تولید و درآمد فعلی جامعه را جهت جبران خسارات احتمالی آتی ذخیره می نماید، چنین مکانیسمی بیمه نامیده می شود.

توسعه اقتصادی را اگر تحولی در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که متضمن یک رشد مستمر و خودجوش باشد، تعریف کنیم و افزایش رفاه و گسترش عدالت اجتماعی را از نتایج معین توسعه اقتصادی بدانیم - که هست - در این صورت به یقین، بیمه که اتلاف سرمایه های ملی در برابر حوادث طبیعی و غیرطبیعی را جبران

می‌کند برای سرمایه‌گذاران در جریان تولید ملی کشور امنیت خاطر و تأمین اقتصادی به وجود می‌آورد؛ صادرات کشور را با تأمین روانی صادرکنندگان کالا و خدمات گسترش می‌دهد؛ پس اندازهای کوچک را در جریان تولید کالا و خدمات قرار می‌دهد و نیروی انسانی که مهمترین عامل تحقق توسعه در هر کشور می‌باشد را در مقابل خطرات و حوادث گوناگون حمایت می‌کند و بدین ترتیب، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در روند توسعه اقتصادی کشور ایفا می‌کند. پیشرفت بیمه با توسعه اقتصادی کشور مقارن است، ترمیم وضع اقتصادی یک مملکت و افزایش مبادلات و ترقی سطح زندگی و توسعه سرمایه‌گذاری موجب پیشرفت بیمه در آن کشور می‌گردد و متقابلاً پیشرفت و اشاعه بیمه خود به ترمیم وضع معیشت افراد کشور و حفظ ثروت ملی و تشکیل پس‌اندازهای بزرگ کمک می‌کند. تشخیص این که کدام یک عامل توسعه و اصلاح وضع دیگری است، مشکل می‌باشد. اما می‌توان گفت که اقتصاد یک کشور اگر متکی به بیمه و تأمین ناشی از آن نباشد اقتصاد محکم و مطمئنی نیست و هرزمانی در معرض خطرات بی‌شماری قرار گرفته و بشدت آسیب پذیر می‌شود.

در حال حاضر در کشور ما فرصت بسیار ایده‌آلی پیش آمده است که ما بتوانیم تحولی را در ساختار اقتصادمان به وجود بیاوریم و آن را به صورت اقتصادی پایدار، شکوفا، سازنده، رشد‌یابنده و تأمین‌کننده رفاه، عدالت اجتماعی، نیاز و اشتغال جامع درآوریم. باید با برنامه‌ریزی، مدیریت و سازماندهی در این جهت حرکت کرده و همه با هم به رشد و توسعه اقتصاد ملی بیندیشیم. رشد و توسعه اقتصاد ملی یک وظیفه ملی و میهنی و یک تکلیف و مسئولیت است؛ بقاء و دوام ما، استمرار ما، حیات ما در سایه رشد و توسعه اقتصادی میسر است. یکی از مکانیزم‌هایی که دولت را در راه به ثمرنشدن برنامه‌هایش در راستای تحقق توسعه و رشد یاری می‌دهد، صنعت بیمه می‌باشد. در اینجا سعی خواهیم کرد چگونگی اثرات مثبت فعالیتهای شرکتهای بیمه را در اقتصاد یک کشور به اختصار بیان کنیم:

## ۱ - تضمین سرمایه گذاریها

توسعه اقتصادی کشور در گرو سرمایه گذاریهای جدید است. سرمایه گذاری جدید در صورتی امکان پذیر است که اولاً، به منابع سرمایه دسترسی باشد. ثانیاً مکانیزمهایی برای حفظ سرمایه گذاریها در مقابل خطرات گوناگون که آن را تهدید می کند وجود داشته باشد. سرمایه در جایی که امن نباشد استقرار پیدا نمی کند؛ سرمایه مرز نمی شناسد؛ مرز سرمایه آسایش است؛ امنیت است. خطرات متعددی سرمایه گذارینهارا تهدید می کند که عبارتند از: خطرات اقتصادی، خطرات پولی، خطرات انسانی، خطرات طبیعی، خطرات سیاسی و غیره. وجود خطرات فوق مانع است از آن که افراد محتاط و دوراندیش سرمایه های خود را در بخشهای مختلف تجارت، صنعت و فلاحت بکار اندازند مگر اینکه مکانیسم بیمه به حمایت از آنها اقدام و لاقفل در مقابل بعضی از خطرات فوق به آنها تأمین کافی بدهد. با اتکا به انواع مختلف تأمین بیمه ای یک سرمایه دار می تواند به سرمایه گذاری در رشته های مختلف اقدام نموده و هر زمان که نیاز و امکان آن وجود داشته باشد به توسعه سرمایه گذاری مبادرت نماید و به این ترتیب است که واحدهای مهم اقتصادی - تولیدی به وجود آمده و توسعه صنعت، بازرگانی و کشاورزی را موجب می شوند. پس یکی از مسائل مهم شبکه بیمه این است که برای همه افراد جامعه آرامش و امنیت نسبی ایجاد کند - برای سرمایه هم همینطور - چون هرگونه سرمایه گذاری مواجه با ریسک است؛ فعالیت، بویژه فعالیت های کلان بدون ریسک امکان پذیر نیست چون اصولاً اگر سرمایه گذاریها و سرمایه دارهای عمده ریسک نکنند به جایی نمی رسند، و با توجه به اینکه توسعه اقتصادی کشور در گرو سرمایه گذاریها کلان می باشد، صنعت بیمه با کاهش خطرات ناشی از تقبل ریسک و افزایش سرمایه گذاریها زمینه تحقق توسعه در هر سیستم اقتصادی را فراهم می آورد.

## توسعه سرمایه‌گذارها

شرکتهای بیمه از محل جمع‌آوری حق بیمه‌ها منابع عظیمی از سرمایه به عنوان ذخایر فنی در اختیار دارند که برای ایفای تعهدات آینده خویش ذخیره می‌کنند. این ذخایر می‌توانند در راستای هدفهای ملی و سیاستهای سرمایه‌گذاری دولت و همچنین تأمین سود برای شرکتهای بیمه که باید به صورت مختلف به صاحبان اصلی آن یعنی بیمه‌گذاران برگردد، کمک مؤثری باشند. البته از آنجا که ذخایر فنی شرکتهای بیمه باید پاسخگوی تعهدات آینده آنها باشد و هر لحظه ممکن است این شرکتهای بیمه به نقدینگی نیاز داشته باشند، لذا نحوه سرمایه‌گذاری این منابع و ذخایر از قوانین خاصی پیروی می‌کند. ذخایر فنی بعضی شرکتهای بیمه بزرگ در کشورهای توسعه یافته به حدی است که نحوه بکار افتادن آنها اثر قطعی در وضع اقتصاد آن کشورها دارد. شرکتهای بیمه بخصوص شرکتهای بیمه عمر که ذخایر فنی سنگین‌تری دارند از مشتریان عمده بورسها به شمار می‌روند. معمولاً دولتها در سرمایه‌گذاری ذخایر فنی بیمه نظارت می‌کنند تا این سرمایه‌های بزرگ که از اجزاء کوچک پیش پرداخت حق بیمه و یا به عبارت دیگر، پس‌اندازهای کوچک بیمه‌گذاران تشکیل می‌گردد در طرفی بکار افتد که موافق سیاست اقتصادی دولت باشد.

اهمیت ذخایر مختلف که در اختیار شرکتهای بیمه است به آنجا می‌رسد که گاهی سرمایه‌گذاری این ذخایر فعالیتهای حرفه‌ای بیمه‌گر را تحت الشعاع قرار می‌دهد و درآمد حاصل از سرمایه‌گذارها از درآمد معاملات بیمه‌ای او فراتر می‌رود و می‌توان گفت که پشتوانه‌ای برای فعالیت بیمه‌گری اوست زیرا بسیار دیده شده که درآمد سرمایه‌گذارها زیان معاملات بیمه‌ای را جبران کرده‌است.

شرکتهای بزرگ بیمه ناگزیرند برای بکار انداختن ذخایر عظیم خود واحدهای مجهز مالی و کارشناسان این امر را به خدمت بگیرند. این شرکتهای بیمه در صورتی که موافق سیاستهای اقتصادی دولت عمل کنند، عاملان مؤثر دولت شناخته می‌شوند و در صورتی

که در جهت خلاف برنامه‌های دولت حرکت کنند اختلالاتی را در این برنامه‌ها بوجود آورده و یا حتی موجب شکست آنها می‌شوند و در بعضی از کشورها، دولت‌ها از امکانات مالی شرکت‌های بیمه سود جسته و طرح‌های عمرانی خود را از محل وام دریافتی از این شرکت‌ها اجرا می‌کنند.

نکته قابل ذکر آنکه شرکت‌های بیمه معمولاً با بکارگیری ذخایر حق بیمه در سرمایه‌گذاری‌های مختلف، منافع سرشاری را ایجاد و بیمه‌گذاران خود را در آن سهیم می‌کنند. این امر باعث می‌شود که فشارهای تورمی خنثی شده و اغلب بیمه‌های عمر را برای بیمه‌شدگان مقرون به صرفه سازد. اما در کشور ما ضعف ناشی از عدم سرمایه‌گذاری‌های مناسب شرکت‌های بیمه از یک سو و عدم پرداخت حداقل سود تضمین شده از طرف بانکها به وجوه شرکت‌های بیمه از سوی دیگر موجب شده است که این رشته بیمه بتدریج جذابیت خود را از دست بدهد و بازار آن رونق چندانی پیدا نکند.

اقتصاددانان معتقدند که اقتصادی که تولید نداشته باشد اقتصادی مرده است. اقتصادی که تولیدش مثبت و سازنده نباشد بازدهی نخواهد داشت. بنابراین شبکه بانکی در هر کشور رسالت بسیار عظیم و ارزشمندی دارد. باید برنامه‌ریزی شود تا بودجه‌ای که جامعه تزریق می‌کند و بودجه‌ای که از شبکه بانکی به جامعه تزریق می‌شود هماهنگ، متعادل، هدفمند و جهتدار حرکت کنند تا از مجموع منابع بتوان به هدف رسید.

پس این دو کانال باید مکمل یکدیگر باشند. سیاست‌های بودجه‌ای، بانکی و تسهیلاتی همه باید در یک هدف دراز مدت و سازنده مکمل یکدیگر باشند. شبکه دیگر هم که می‌تواند نقش مهمی در جذب پس اندازها، نقدینگی جامعه و سپرده‌های مردم داشته باشد شبکه بیمه کشور است. با توجه به مطالب فوق، صنعت بیمه از دو جهت توسعه سرمایه‌گذاری‌ها را در سیستم‌های اقتصادی موجب می‌گردد. اولاً با تأمین و تضمینی که ارائه می‌دهد، اثرات عوامل تهدیدکننده سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد که نتیجه آن گسترش سرمایه‌گذاریها است و از طرف دیگر، شرکت‌های بیمه خود از محل

منابع مادی که در اختیار دارند به عنوان سرمایه‌گذار در فعالیتهای مختلف اقتصادی بازرگانی شرکت می‌جویند و از این طریق در هموار نمودن راههایی که به توسعه کشور منتهی می‌شوند نقش بسیار بااهمیتی را ایفا می‌کنند. چون همه می‌دانیم که سرمایه‌گذاری یعنی تولید و تولید یعنی ایجاد و افزایش درآمد و اشتغال در سطح سیستم اقتصادی، و افزایش درآمد در سطح سیستم، رسیدن به تعادل اقتصادی و رفاه اجتماعی را که ارکان اصلی توسعه را تشکیل می‌دهند، نوید می‌دهد.

### توسعه بخش کشاورزی

در گذشته این طور تلقی می‌شد که صنعت، یگانه محور توسعه است و هر کشوری که می‌خواهد به توسعه یعنی رشد کمی تولیدات و خدمات و تحوّل کیفی بافت اجتماعی جامعه و توزیع عادلانه و متعادل ثروت و درآمد و محو فقر، محرومیت، بیکاری و بی‌خانمانی و تأمین رفاه عمومی و ترقی فرهنگی جامعه برسد، باید صرفاً صنعت را محور قرار دهد ولی امروز اندیشمندان بر این باورند که در حال حاضر کشاورزی و صنعت دو بال توسعه می‌باشند.

ذخایر مواد اولیه و خام با شتاب در حال مصرف و نابودی است و کشاورزی به عنوان تنها منبع تأمین مجدد این ذخایر اهمیت ویژه‌ای یافته است. تولید بیشتر از طریق افزایش سطح زیرکشت حتی در حال حاضر هم با مشکلاتی فراوان روبروست و فقط با بهبود شیوه‌های تولید و افزایش بهره‌وری از واحد سطح می‌توان تولیدات کشاورزی را افزایش داد.

راه رسیدن به این هدف، کشت محصولاتی است با راندمان بیشتر در اراضی‌ای که تحت مراقبت قرار داشته و مستمراً غنی شده و کلیه مراقبتهای به زراعی و به نژادی در آنها به عمل می‌آید. چنین کشاورزی سازمان‌یافته نیازمند سرمایه‌گذاری در ابعاد وسیع می‌باشد. با توجه به این واقعیت که سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ضروری است،

لذا بایستی در مقابل جوّی ثباتی ناشی از احتمال وقوع حوادث غیر قابل پیش‌بینی قهری و طبیعی که سرمایه و محصول را در تهدید دائم قرار می‌دهد یک سپر امنیتی ایجاد نمود تا در پناه آن فعالیت تولیدی امکانپذیر گردد.

در روند تولید و برای رسیدن به «خودکفایی» و کاستن از واردات - که تأمین‌کننده استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهاست - بهترین راه حل باز هم رو آوردن به کشاورزی است. از این رو داشتن یک چارچوب محکم مالی و مدیریت پیشرفته در کشاورزی از لوازم کار است.

اعتبارات کشاورزی به عنوان ابزاری در جهت بهبود و افزایش بازده محصولات کشاورزی در نظام‌های مختلف بشمار می‌رود. کشاورزان، تعاونیهای کشاورزی و بانکهای اعتباری در این بخش همواره در معرض تهدید طبیعت قرار دارند. این تهدید برای بانکها با عواقب منفی تری همراه است که همانا پیدایش مشکلات در بازپرداختها به هنگام وقوع حوادث طبیعی است. بیمه محصولات کشاورزی ابزاری است در اختیار مدیران با تجربه تا به کمک آن سرمایه‌گذاری خود را ایمن سازند.

درواقع، بیمه محصول به کشاورز اجازه می‌دهد تا سرمایه خویش را متعادل سازد، یعنی آنها با داشتن بیمه می‌توانند بیشتر وام گرفته و در زمان خسارت توان مالی بیشتری داشته باشند. بانکها هم با بودن بیمه محصول می‌توانند حجم بیشتری وام و اعتبار توزیع نموده و به ایجاد سرمایه برای اقشار ضعیف کشاورز کمک نمایند و همچنین نرخ بازپرداختهای بانکها نیز با بیمه محصول افزایش می‌یابد. به طور خلاصه، اعتبار در بخش کشاورزی با تأمین سرمایه یکی از نیازهای اساسی کشاورز را برآورده می‌سازد. شکلهای مختلف بیمه در نظامهای اقتصادی وثیقه قابل اطمینان برای اعتبارات به شمار می‌روند در بخش کشاورزی و وثائق وامها را می‌توان به ترتیب در چند گروه بر حسب نقدینگی آنها قرار داد:

**داراییها:** ۱ - سرمایه در گردش ۲ - وام ۳ - دارائیهای مالی ۴ - دارائیهای ثابت.



۵ - زمین سایر وثائق: شامل اعتبار افراد و یا اجتماعات و انواع بیمه .  
 علیرغم تمام وثائق فوق آنچه اهمیت دارد اقتصادی بودن طرح متقاضی وام است .  
 از دیدگاه بانکها این مهمترین عامل در تصمیم‌گیریهاست . اصولاً برای مواقع اضطراری  
 و به عنوان فشار برای بازپرداختهاست . بانکها در بدو امر در پی کسب بهترین وثائق  
 زمین و املاک هستند. لکن قابلیت حصول بیمه از کلیه وثائق فوق سهلتر و سریعتر است .  
 علل و عوامل متعدد بر روند بازپرداخت وامها تأثیر می‌گذارند که پاره ای از کنترل  
 و حیطه تصمیمات فردی خارج و گروهی به علت اعمال سیاستهای ناصواب اعتباری و یا  
 عوامل سیاسی - اجتماعی ناهنجار پدید می‌آیند . منشاء آن هر چه باشد نتیجه کار عدم  
 توانایی کشاورزان در پرداخت به موقع دیون و تعهداتشان در قبال بانک یا هر مؤسسه  
 اعتباری است . شاید بتوان مهمترین عوامل را به قرار زیر طبقه بندی نمود :

- شرایط جوی ، آفات و امراض

- مشکلات ناشی از کار

- دخالتهای دولت

- ضعف فرهنگی و علمی و فقدان ترویج

- دریافت وام از منابع متعدد

- غیر اصولی بودن جدول بازپرداخت وامها

عوامل قهری طبیعی در زمره مهمترین مشکلات در جریان بازپرداخت وامها به  
 حساب می‌آیند وابستگی تمام کار کشاورزی به طبیعت فعالیت در این بخش را در  
 معرض تهدید دائم قرار داده است . در نتیجه ، درآمد نیز در این بخش دارای ثبات و  
 تعادل نیست و تابع شرایط طبیعی است وجه دیگر قضیه نیز اتکای انحصاری درآمد آنها  
 بر محصول و تولیدات کشاورزی است که آن هم دستخوش قهر طبیعت است . کشاورز  
 نیز منبع در آمد دیگری در اختیار ندارد تا به هنگام از دست دادن محصول جایگزین  
 سازد . از این رو تأخیر در بازپرداخت وام اولین عکس‌العمل طبیعی و برآیند منطقی

خسارات مالی ناشی از قهر طبیعت است که شاهد آن خواهیم بود.

در یک بررسی به عمل آمده، بالغ بر ۵۰ تا ۷۰٪ مشکلات بازپرداختها ناشی از بروز عوامل طبیعی نامساعد عنوان شده است. این جا بیمه محصولات می تواند نقش مهم خود را ایفاء نماید. صندوقهای ضمانت معمولاً برای مجموعه وسیعی از خطرات پیش بینی می گردد و اطمینان کافی برای وام دهنده ایجاد می کند که اعتبار داده شده حداقل تا درصد معین برگشت داده خواهد شد.

امروزه بیمه محصولات تضمین کافی به مؤسسات اعتباری داده تا آنها بتوانند با شرایط سهل تر و نرخهای پایینتر حجمی وسیع تر به کشاورزان وام دهند که نتیجه آن تقویت بنیه مالی کشاورز، افزایش سرمایه گذاری او در بخش و افزایش تولیدات و محصولات بخش کشاورزی است.

نتیجه آن که بیمه محصولات کشاورزی مکانیزم مهمی در ایجاد محیط امن برای درآمد حاصل از تولید محصولات کشاورزی است؛ در واقع بیمه ابزار مدیریت ریسک برای تحقق اهداف تولیدی است. وظیفه بیمه محصول، حمایت از کشاورز در برابر حوادث خسارت زای طبیعی و در نهایت تضمین کننده ادامه روند تولید و حفظ سلامت مکانیزم اعتبار در بخش است.

هند، مکزیک و فیلیپین نمونه های بارزی از کشورهایی هستند که از طریق بیمه محصولات کشاورزی به پیشرفتهای چشمگیری در توسعه بخش کشاورزی نائل آمده اند. آنها که زمانی از واردکنندگان عمده محصولات کشاورزی بوده اند، امروز به عنوان صادرکنندگان این محصولات در بازار جهانی مطرح شده اند. تجربه نشان داده است که هیچ ملتی نمی تواند به رشد واقعی در صنعت نایل آید مگر اینکه اول از قدرت و استقلال بخش کشاورزی و دام خود مطمئن شود. تنها پس از رسیدن به خودکفایی از نظر مواد غذایی است که ثبات اجتماعی برقرار شده و شرایط بوجود آمده زمینه مناسبی برای توسعه و رشد سایر بخشهای اقتصادی فراهم می آورد. کشورهای جهان سوم یک

اشتباه جدی مرتکب می‌شوند اگر رشد و ظرفیت تولیدی محصولات کشاورزی و دام و امکانات بالقوه خود را در این رشته نادیده بگیرند.

عدم توجه به بخش کشاورزی و دام یعنی وابستگی به منابع غذایی خارجی؛ یعنی از دست دادن استقلال سیاسی و نابودی اقتصاد ملی و درگیر شدن با ریسک بسیار بالای سیاسی و اقتصادی. اقتصاد کشورهای جهان سوم باید براساس نیازهای جدید آنها و با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر جهان و تغییرات اجتماعی پایه‌ریزی شود. در راستای چنین اهدافی است که کشاورزی و دام به عنوان تولیدات کلیدی و استراتژیکی می‌توانند وظیفه مهمی را ایفا کرده و بیمه محصولات کشاورزی و دام به عنوان یک حرکت ارزشمند و مفید نقش حمایتی مهمی را در این جهت برعهده گیرد. همچنان که اشاره شد بیمه محصولات کشاورزی در بسیاری از کشورها مخصوصاً کشورهای در حال توسعه نتایج بسیار مطلوبی به بار آورده است.

### موازنه ارزی

واگذاری قسمتی از بیمه که مازاد بر ظرفیت یک بیمه‌گر می‌باشد به سایر مؤسسات بیمه به بیمه اتکایی معروف شده است. اصولاً مصلحت اقتصادی اقتضا نمی‌کند که تأسیسات بزرگ مثل کارخانه‌های ذوب آهن، پتروشیمی و یا ساختمان سدهای عظیم در داخل مملکت بیمه شود. بنابراین بیمه اتکایی خارجی برای هر کشور لازم است و به این ترتیب قسمتی از حق بیمه‌ها به صورت ارز از کشور خارج شده و برای کشور هزینه ارزی ایجاد می‌کند و ولی در عوض در صورت بروز خسارات، بیمه‌گران اتکایی خارجی جبران خسارات را برعهده خواهند داشت و در مدت کوتاهی واحدهای خسارت دیده ترمیم و وارد خط تولید خواهند گردید و در صورتیکه کشور توان قبول بیمه‌های اتکایی خارجی را داشته باشد، بیمه اتکایی خارجی منبع درآمد ارزی قابل توجهی برای سیستم اقتصادی خواهد بود.

امروزه اغلب کشورهای توسعه یافته با تکیه بر وضع مالی، اطلاعات فنی وسیع و سایر مشخصات و ویژگیهای صنعت بیمه موجود در آن کشورها قادر به قبول بیمه های اتکایی خارجی متعددی بوده و به مبالغ متنابهی از درآمدهای ارزی دست یافته اند.

متأسفانه در کشورهای در حال توسعه علاوه بر ضعف اقتصادی و مشکل بودن تحمل هزینه های ارزی یک واقعیت دیگر هم به وخامت وضع دامن می زند و آن این است که مؤسسات بیمه در این کشورها از جهات مختلف از جمله: وضع مالی، توسعه فعالیت و سطح اطلاعات فنی ضعیف بوده و ناگزیرند مقدار بیشتری از معاملات بیمه خود را به صورت بیمه اتکایی به خارج از کشور واگذار کنند و ضمناً برای وصول بیمه اتکایی از خارج توانی نداشته و این امر هزینه ارزی قابل توجهی را برای آنها به وجود می آورد و لذا با توجه به این مطلب که یکی از اصول موفقیت مؤسسه های بیمه ثبات و تداوم فعالیت آنهاست، برای حفظ دوام و ثبات، داشتن قسمت بیمه های اتکایی با پرسنل و مدیریت با تجربه، دانش آموخته و کار آزموده ضروری است. در سال ۱۹۸۷ حجم تقاضای جهانی برای بیمه اتکایی بالغ بر ۹۱ میلیارد دلار بوده است که ۸۷/۶ میلیارد آن یعنی حدود ۹۵ درصد آن متعلق به کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه *OECD* بوده است. این امر لزوم توجه بیشتر به بیمه های اتکایی در کشورهای در حال توسعه را مطرح می سازد.

امروزه بیمه علاوه بر ایجاد امنیت در صادرات کالا و خدمت و سایر آثار مثبت اقتصادی، اجتماعی، به عنوان یک منبع بزرگ درآمد ارزی محسوب می شود به طوری که امروزه بیمه های اتکایی و صادراتی دومین درآمد ارزی رابرای کشور انگلستان تشکیل می دهد.

بازار بیمه ژاپن نیز دومین بازار بیمه ای دنیا بعد از ایالات متحده آمریکا است و این بازار بیش از ۲۲ درصد از کل حجم حق بیمه جهان را به خود اختصاص داده است. این رقم در سال ۱۹۸۷ به ۲۴ میلیارد دلار در هر دو بخش فعالیت بیمه ای اشخاص و

اشیاء رسید .

### نتیجه :

در حال حاضر صنعت بیمه یکی از ابتکاری ترین حرف در اقتصاد است . جامعه جهانی در قرن حاضر جامعه تشکیلاتی است و مؤسسه‌های بیمه در این راستا نقش بسیار مهمی در فعالیتهای اقتصادی جامعه دارند . در واقع هدف اصلی بیمه همان اصل تعاون و همیاری برای جبران خسارات طبیعی و یا خسارتهایی که ناشی از قصور و اهمال انسانهاست . با صنعتی شدن جوامع و گسترش روابط بازرگانی درجه اهمیت بیمه چنان بارز گشته که شاید بتوان ادعا کرد که در دنیای امروز اهمیت بیمه به حدی است که کمتر فعالیت اقتصادی و اجتماعی را می توان یافت که بدون این عامل به عرصه وجود آمده یا بر جا مانده باشد . تأثیرات عینی صنعت و مؤسسات بیمه در تحقق توسعه اقتصادی در یک سیستم اقتصادی به شرح ذیل خلاصه می‌گردند :

- ۱ - تمرکز داراییهای تخصیص یافته به واحدهای اقتصادی بزرگ و قدرت بخشیدن به آنها .
- ۲ - تأمین امنیت مالی صاحبان سرمایه ، تولیدکنندگان و مدیران واحدهای اقتصادی
- ۳ - ایجاد منابع اعتباری عظیم در جامعه .
- ۴ - تشویق مؤسسات اقتصادی به فعالیت و تولید از طریق کاهش خطرات - که محدودکننده میزان سرمایه گذاریهای می‌باشند .
- ۵ - سرمایه گذاریهای سودزا و مفید برای اقتصاد کشور توسط شرکتهای بیمه .
- ۶ - در اختیار قراردادن اندوخته‌های موجود به سیستم اقتصادی کشور به عنوان ضرورت توسعه متوازن اقتصادی .
- ۷ - توزیع بار تحمل خسارات در سطح وسیع و جلوگیری از سقوط فوری واحدهای اقتصادی کوچک

- ۸ - ارائه پوششهای نوین در بیمه‌های مربوط به حمل و نقل کالا و توسعه صادرات و مبادلات اقتصادی کشورها
- ۹ - ایجاد درآمدهای ارزی و حفظ موازنه ارزی کشورها
- ۱۰ - حفظ و نگهداری ثروت‌های ملی جامعه
- ۱۱ - حفظ سطح زندگی افراد جامعه و تضمین دوام امکانات مادی خانواده‌ها و جلوگیری از ایجاد اختلال در معیشت آنها.
- ۱۲ - توسعه اقتصاد روستائی و حمایت از فعالیتهای اقتصادی مبتنی بر کشاورزی
- ۱۳ - جذب مقادیر معتابهی از درآمدهای ارزی از طریق قبول بیمه‌های اتکایی
- ۱۴ - کنترل قابل توجه تورم از طریق تخصیص بخشی از قدرت خرید مردم به عنوان حق بیمه خصوصاً در بیمه‌های اشخاص و زندگی.
- ۱۵ - افزایش ریسک پذیری در جامعه در مقابله با ناشناخته‌ها و استفاده بیشتر از منابع طبیعی، ابداعات و اختراعات جدید که تنها در پناه امنیت مالی به وجود آمده، توسط بیمه امکان پذیر می‌باشد.
- ۱۶ - افزایش ارزش افزوده در اقتصاد کلان که حاصل تفاضل حق بیمه و تعهدات بیمه است.
- ۱۷ - ایجاد کار و فرصتهای اشتغال مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه
- ۱۸ - ارائه تامین اجتماعی کافی که لازمه تحقق توسعه در هر کشور است.
- ۱۹ - جلوگیری از کثرت دعاوی که خود در کاهش هزینه‌های جاری نقش بسزایی دارد.

با اشاراتی که شد تصور جایگاه واقعی بیمه در اقتصاد کشورها و تأثیر قابل توجه آن در سرعت بخشیدن به آهنگ رشد و توسعه اقتصادی براحتی صورت می‌پذیرد. رشد و توسعه اقتصاد هر کشور با شکوفایی صنعت بیمه آن از تباطی مستقیم و تنگاتنگ دارد. کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان موفق گردیده‌اند با کشف بسیاری از نیازهای بالقوه

افراد جامعه در خصوص بیمه و نیز القاء و نشر فرهنگ بیمه جایگاه این صنعت را در ساختار اقتصادی خود کاملاً مستحکم نمایند.

دکتر فرناندو سوارش اقتصاددان امور بیمه از کشور اسپانیا معتقد است جامعه بیمه‌گرا جامعه‌ای معتدل و پویا می‌باشد و فقط در جوامع معتدل و پویا است که ترقی و تعالی و عدالت اجتماعی همزمان امکانپذیر می‌باشد.



## منابع

### الف - فارسی

- ۱ - کارتر. رابرت ال. بیمه اتکائی. ترجمه هادی دستباز.
- ۲ - بیانیه انجمن بیمه گران انگلستان. حسابداری شرکتهای بیمه ترجمه سید محمد آسوده.
- ۳ - روزه بو. حقوق بیمه. ترجمه دکتر محمد حیاتی
- ۴ - گروه کارشناسان شرکت سوئسی زی. بیمه اتکائی بیمه‌های غیر زندگی. ترجمه آیت کریمی
- ۵ - هوشنگی. محمد. بیمه اتکائی
- ۶ - بیمه مرکزی ایران. مجموعه قوانین بیمه
- ۷ - شبیانی. احمد علی. تاریخچه پیدایش و تحول بیمه
- ۸ - شبیانی. احمد علی. کلیات علم بیمه
- ۹ - فصلنامه‌های بیمه مرکزی ایران سالهای ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۲

### ب - انگلیسی

- 1- *Insurance Support to Risk Management of Agricultural Investment* , Nenaraca , 1991 .
- 2 - *Crop Insurance in Asian Countries* , Aprana , 1991 .
- 3 - *Credit Insurance Association LTD* , James Larkin .
- 4 - *Insurance Risk and Resource Allocation* , Arrow K.J .
- 5 - *Rational Insurance Purchasing* , *Journal of Finance* .
- 6 - *Optimal Insurance Courage* , *Journal of Political Economy* .